

ایام می آیند و می روند گاه به خوش و گاه به غم، باید قدر دان هر دو باشیم و از آنها درسی برای زیستن بهتر بگیریم. بیهودگی ایام به شکست ها و عدم توفیق ها مربوط نمی شود بلکه ایام بیهوده زمانی است که از آن درس نگیریم. با این حساب توفیق ها و پیروزیها اگر ما به غفلت شوند می توانند به نوعی شکست محسوب شوند و بالعکس اگر شکست ها ما به عبرت و پلی شوند برای موفقیت های آینده می توانند پیروزی محسوب شوند. نیکوست اگر جامعه ورزش ما به عالم و روزهای گذران اینگونه نگاه کند. پیروزی های مقطعی آنها را فریب ندهد و شکست های مقطعی نیز آنها را ناامید نکند. اینگونه است که می توانیم بگوییم از ایام و حوادث آن بهره برده ایم و قدر دان آن شده ایم امید که روزی بیاید تا پیروزیها و شکست ها نباشند که بر ما تحمیل می شوند بلکه این ما باشیم که بر آنها تسلط پیدا کرده و از آن استفاده می بریم.

## میلادی آسمانی

در هفته گذشته سالروز تولد حضرت زهرا (س) و روز زن را داشتیم. این روز را به همه زنان کشور اسلامی مان، خصوصاً مادرانی که قهرمانان ملی مادر دامن آنها پرورش یافته اند تبریک می گویم. ما امروز بیش از هر زمانی نیازمند تعیین جایگاه شأن و منزلت زن در اسلام هستیم چرا که کوبیدن بر طبل حمایت از زن یکی از سلاح هایی است که مرتب از جانب غربیان علیه ما به صدا در می آید در عرصه ورزش نیز ما از این حمله بی نصیب نمانده ایم و توفیق با وضع قوانین و مقررات خاص بنای آن دارند تا برای حضور زنان مسلمان که قصد دارند با پوشش اسلامی در میادین حضور پیدا کنند مانع تراشی نمایند، ما هر چند در عرصه ورزش قهرمانی مردان کار بسیار دشواری پیش رو داریم اما این امر در بخش ورزش زنان مضاعف می شود. متأسفانه دست اندر کاران ورزش بانوان کشور مان هم در این عرصه بجز چند امر و نهی که بیشتر جنبه سلبی دارد هیچ کاری ایجابی انجام نداده اند. این مسئولان باید توجه داشته باشند که بهانه گفتن به هر چیزی مشکل حل نخواهد شد و حداکثر کاری که می توان بانفی کردن انجام داد عقب انداختن یا پنهان کردن مشکل است که آن هم کاری نیست که به صواب نزدیک باشد. ما با داشتن الگوی بی مثالی مانند حضرت زهرا (س) بدون شک حرفه های بسیاری برای گفتن داریم فقط می ماند اینکه کسی دانش و توانایی بیان شخصیت این الگو و نمونه یک زن کامل را داشته باشد.

امروز با این بمباران تبلیغاتی که راه افتاده است و قصد دارد نسل جوان ما را از اصالت ها و هویت های خود دور کند هیچ ریسمانی محکم تر از چنگ زدن به خاندان اهل بیت نداریم و در این میان وجود پربرت حضرت فاطمه (س) می تواند گره گشای بسیاری از مشکلات روحی ما و الگو گرفتن از زندگانی او حلال مشکلات دنیایی ما شود. امید که لطف و عنایت او همیشه شامل حال این ملت که همه سر ما به او اهل بیت است باشد یک بار دیگر سالروز ولادت این بانوی دو عالم که هدیه ای آسمانی برای زمین ها بود را تبریک می گویم.

## ورزش و انتخابات

انتخابات مجلس شورای اسلامی به پایان رسید و اهالی شهرها و مناطق مختلف نمایندگان خود را شناختند. اما متأسفانه باید گفت که جامعه ورزش آنچنان که شاید و باید نتوانست سهم عمده ای در راهی کردن نمایندگان ورزشی به خانه ملت داشته باشد. روزگاری بود که اهالی ورزش می توانستند نقش مؤثری در انتخابات داشته باشند و به همین دلیل هم حمایت آنها از کاندیدا یا لیست خاصی می توانست رأی قابل توجهی را نصیب آنها کند. در واقع می توان گفت روزگاری اهالی ورزش یکی از جوامع مرجع در انتخابات محسوب می شدند که می توانست اعتماد صاحبان رأی را به خود جلب کند. آنهایی که سن و سال بالاتری دارند حتماً در خاطر دارند که هنگام انتخابات چه هجومی به جانب اهالی ورزش می شد تا از کاندیدای خاصی اعلام حمایت کنند و انصافاً هم که این اعلام حمایت ها اثر گذار بود. اینها هیچ دلیلی نداشت بجز آنکه مردم ما هنوز در چهره ورزشی ما آن انتظاراتی را که از یک قهرمان یا پهلوان داشتند، می دیدند در واقع آنها هنوز به بسیاری از مسائل پشت پرده ورزش و ورزشکاران واقف نبودند. به مرور ایام دو نکته در کنار هم اسبابی فراهم آورد که اندک اندک در این حسن

اعتماد خدشه وارد شود. نخست آنکه اهل سیاست وقتی قدرت ورزش را دیدند تصمیم گرفتند تا از آن اهرمی برای خود بسازند. می گویند سیاست، تئوری قدرت است و این یعنی آنکه هر کجا کانون قدرتی باشد اهل سیاست در آنجا حاضرند. این عرصه قدرت می تواند عرصه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی، کانون های صنفی، کانون های زنان و هر کانون قدرتی دیگری باشد. که البته طبیعی است که قدرت در هر کدام در این محافل با دیگری تفاوت دارد. در یکی صاحبان رأی بسیاری وجود دارد، در یکی ثروت و... اما همه اینها زیر چتر یک عرصه واحد که همانا عرصه قدرت است جمع می شوند. به هر حال حضور اهل سیاست باعث شد تا زبان جدیدی به ورزش بیاید که بیگانگی بسیاری با زبان ورزش داشت و از آنجا که ورزش میدان شفاف است به مرور در این میدان پرده از چهره و زبان و جهان اهل سیاست کنار رفته و جامعه ورزش به خوبی با اخلاق و خلقیات آنها آشنا شد و بسیاری از اسرار پنهان بر آنها آشکار شد. حالا دیگر اهالی ورزش نه در حیطه مباحث نظری که در آزمون عملی تفاوت در نگرش را می دیدند و بخوبی پی می بردند که اگر ساکنان جهان سیاست بخوانند برای ورزش نسخه بیچند چه به روز ورزش می آید. همین امر باعث نوعی دلزدگی در میان آنها شد و موجب شد که آنها به حضور سیاستمداران در ورزش نوعی واکنش نشان دهند.

دوم آنکه به دلیل گسترش رسانه های گروهی چنانکه ذکر شد پاره ای از مسائل پشت پرده ورزش و ورزشکاران عیان گردید. روزگاری بود که علاقمندان ورزش از نوع زندگی قهرمانان خود آنچه که در خفا اتفاق می افتد اطلاع چندانی نداشتند. آنها همیشه به دور قهرمانان خود هاله ای از قداست می کشیدند. در چشم مردم قهرمانان ورزشی همیشه نمادی از معرفت و جوانمردی و... بودند تا جایی که گمان می کردند حتی می توانند مشکلات شخصی خود را نزد آنها ببرند. در چشم مردم ورزشی که قبل از انقلاب و در آن فضا توانسته بود قهرمانی و پهلوانی مانند تختی را پرورش دهد حالا بطور قطع تختی های بسیاری خواهد داشت. اما زهی خیال خام و تصور باطل که وقتی پرده توسط رسانه های زیاد شده کنار رفت مردم مانند صدای و عجباً.

سخن را به دراز آنکشم مجموع آنچه که گفته شد کار را به جایی رساند که در این دوره انتخابات دیدیم، یعنی عدم کسب رأی توسط بسیاری از چهره های ورزشی. روزی و روزگاری اهل ورزش می توانستند با اعلام حمایت از فردی سهمی بسیار عمده در پیروزی انتخاباتی او داشته باشند، اما حالا حتی توان آن ندارند که کاندیداهایی را که سالهاست در ورزش حضور دارند را هم به مجلس بفرستند. نگاهی کنید به چهره های ورزشی که موفق به کسب رأی نشدند تا موضوع کاملاً عیان گردد. این می تواند برای کسانی که تیزبین هستند زنگ خطر جدی باشد تا بررسی کنند که میزان اعتماد مردم به اهالی ورزش چقدر است و چرا اینقدر کم شده است: آیا این بی اعتمادی فقط در عرصه انتخابات است یا در سایر عرصه ها نیز چنین است؟ چقدر از این بی اعتمادی به فضای کلی جامعه باز می گردد؟ گسترش این فضا چه زیان هایی می تواند داشته باشد؟ و از آن سو برای بازگرداندن اعتماد سابق چه باید کرد؟ چگونه باید ورزشکاری قابل اعتماد ساخت چگونه باید آن را به آگاهی مردم رساند تا بتوانیم بگوییم که ورزشکاران می توانند الگوی جوانان باشند؟ به هر حال اندکی دقت و تأمل می تواند بسیاری از حقایق را بر ما روشن کند و همین انتخابات و آرای اهالی ورزش می تواند سر نخ پژوهشی اساسی شود. حالا که نام تشکیلات

ورزش از سازمان تربیت بدنی به وزارت ورزش و جوانان تغییر یافته است بررسی این موضوع ضرورتی بیشتر پیدا می کند، چرا که اینک متولیان امور جدای از بحث ورزش، مسئولیت بخش جوانان را نیز عهده دار هستند. متأسفانه باید گفت سلطه ورزش بر اندیشه مدیران بالایی چنان شده است که آنها فراموش کرده اند در عرصه جوانان هم صاحب مسئولیت هستند و باید فکری اساسی برای مشکلات آنها بکنند. آقایان نباید از یاد ببرند که در چه اول باید جوانی شاداب و سرزنده باشد تا به تبع آن ورزشی باشد

## انتخاباتی دیگر

حالا که سخن از انتخابات به میان آمد بد نیست به انتخاباتی دیگر اشاره کنیم. پیامبر اکرم (ص) می فرمایند که علم را بیاموزید حتی اگر در چین باشد. مانند این حدیث را از زبان ائمه (ع) نیز بسیار داریم. به راستی هم که علم به عنوان یکی از صفات خداوند شایسته آن است که نزد مومنان به او باشد. این علم می تواند آگاهی در تمام علوم باشد و فقط مختص علوم تجربی نباشد. بنابراین مقدمه باید گفت ما باید به دنبال کسب علم حتی در نزد دیگران باشیم این علم هم می تواند در عرصه مباحث علوم نظری و یا عملی باشد و در مجموع می تواند شامل هر نوع دانشی باشد اخلاق نیز از این امر مستثنی نیست و ما باید و می توانیم از رفتار خوب دیگران درس بگیریم. مگر ما بارها به ورزشکاران توصیه نمی کنیم که از رفتار و منش خوب ورزشکاران سایر کشورها الگو بگیرند پس چه اشکالی دارد که خودمان هم به عنوان روزنامه نگاران از کارهای خوب روزنامه نگاران سایر کشورها درس بگیریم و آنها را به کار ببریم. وقتی می گوئیم که ورزشکاران ما نباید تنها نکات فنی را از ورزشکاران خارجی یاد بگیرند بلکه نکات مثبت و اصولی و اخلاق ورزش حرفه ای را هم باید بیاموزند آیا خودمان نباید در کنار آموختن اصول فنی روزنامه نگاری، رفتارهای حرفه ای و اخلاقی آن را یاد بگیریم. به همین ترتیب می توان این موضوع را تعمیم داد و به سایر عرصه ها مانند پزشکی، مهندسی و... هم برد. پزشکی ما علاوه بر آموزش و یادگیری آخرین دستاوردهای این فن باید کاملاً به اصول اخلاقی حرفه پزشکی نیز آشنا باشد و در این عرصه نیز آموزش ببیند و خود را به روز کند.

همین حکایت در مورد سایر عرصه ها نیز صدق می کند. چنانکه مطلع هستید هفته گذشته انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه برگزار شد و «اولاند» نماینده سوسیالیست ها موفق شد با شکست دادن نیکلای سارکوزی به ریاست جمهوری فرانسه برسد. معمولاً چنین است که اگر کسی یک دوره رئیس جمهور شود برای بار دوم هم این امر اتفاق می افتد اما در فرانسه چنین نشد و سارکوزی شکست خورد. نکته ای که می خواهیم به آن اشاره کنم سخنان این دو نفر پس از انتخابات بود. سارکوزی از هواداران خود عذر خواهی کرد و مسئولیت شکست را به گردن گرفت و گفت شما هادر تلاش خود چیزی کم نگذاشتید اما من نتوانستم این تلاشها را پاس بدارم و لذا کل مسئولیت شکست را می پذیرم و در پایان هم به اولاند تبریک گفت. اولاند هم در جمع هواداران خود حضور پیدا کرد و سخن گفت و نکته مورد ذکر من در همین سخنان نهفته است. او در بخشی از سخنان خود گفت: «ما باید قدر دان سارکوزی باشیم. من به او درود می فرستم. من به تمام کسانی که به من رأی ندادند و تعداد آنها کم نبود می گویم من از امروز رئیس جمهور شما هم هستم. ما دو فرانسه نداریم فرانسه ای مال ما و فرانسه ای مال شما. ما یک فرانسه داریم که متعلق به همه

